

**ادیب التجار** - از دستور بقیه قانون منع احتکار را اعلان فرمودید ولی يك تقاضای نسبت باین مسئله داشتیم:  
**رئیس** - راجع بدستور اگر فرمایشی دارید بفرمائید.

**ادیب التجار** - خیر راجع بدستور نیست  
**حاج عز المالك** - بنده عقیده ام این است مطابق جلسات قبل جلسه را معین فرمائید زیرا اگر چهارشنبه باشد مجبور بشوم پنجشنبه هم جلسه داشته باز دوروز بخت سرم نخواهد بود

**رئیس** - رأی میگیریم که فردا جلسه باشد یا روز چهارشنبه (گفته شد روز پنجشنبه)

**رئیس** - رأی میگیریم که اینک فردا جلسه داشته بانه آقا بانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب نشد پس رأی میگیریم بر اینکه روز چهار شنبه مجلس باشد یا خیر آقا بانیکه تصویب میکنند قیام نمایند عده قیام نمودند

**رئیس** - تصویب نشد پس میماند برای روز پنجشنبه (مجلس تقریباً دو ساعت از شب گذشته ختم شد)

**جلسه ۲۴۳**

**صورت مشروح جلسه یوم شنبه ۲۴ ذی قعدة ۱۳۲۹**

**رئیس** - آقای مؤتمن الملک دو ساعت و بیست دقیقه قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس فرموده و پس از یک ربع جلسه رسماً منقذ شد (آقا میرزا رضا خان نائینی صورت جلسه قبل را قرائت کردند اسامی غائبین جلسه قبیل بترتیب ذیل در ضمن صورت مجلس قرائت گردید

فائزین بدون اجازه دکتر اسمعیل خان - آقای طباطبائی میرزا علی اکبر خان  
فائزین با اجازه - حاج سید نصرالله - دکتر حیدر میرزا - آقای ادیب مریم بودند آقا بانیکه از اوقات مقرر تأخیر نموده اند.

آقای میرزا مرتضی قلیخان - آقا میرزا قاسم خان - آقای مستوفی - حاج شیخ اسدالله هر يك نیم ساعت آقای معتمد التجار ۵۰ دقیقه آقای آقا میرزا ابراهیم قمی یکساعت

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست  
**آقا شیخ غلامحسین** - در آخر صورت مجلس در ضمن دستور امروز نوشته شده بود (تفریح بودجه مجلس) در صورتیکه تصور میکنم که آقای رئیس در جلسه قبل تفریح بودجه مجلس را از جزء دستور خارج فرمودند

**رئیس** - بله از دستور خارج شد ملاحظاتی دیگری نیست (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد.

دستخطی را والا حضرت اقدس ریاست مجلس رسیده است چون فرموده اند که با اطلاع نمایندگان مجلس برسد قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) ۲۲ ذی قعدة ۱۳۲۹

ریاست مجلس شورای ملی

قانون جدید تکلیف موقع انتخابات را تعیین کرده ولی چون تازه از مجلس گذشته این دمه

تکلیف آن معلوم نبوده و نظر بانیکه مابین انفصال دوره تقنینه و امر انتخابات جدید تراضی حاصل نشود اینجانب پوررای عظام در دو روز قبل یادآوری نموده و در غیاب مستشار وزارت داخله و مستشار وزارت عدلیه درخواست کردم و صورت فرمان اعلام انتخابات جدید را حاضر کرده ولی چون میبایستی بتصویب وزراء عظام برسد زیرا که معلوم است در ملک مشروطه سلطنت عظمی با نیابت سلطنت نمی تواند بدون تصویب و معانیت وزراء اقدامی در امور نمایند بوسیله بحران کابینه اقدام باین امر معوق مانده برای اینکه نسبت قصور و غفلت باین جانب داده شود این مشروطه را زحمت دادم که در مجلس شورای ملی در این باب کسب تکلیف فرمایند.

**رئیس** - گمان نمیکنم در این خصوص مذاکره لازم بشود ترتیبش این است که وزرای سابق مشغول کار خودشان باشند و سرکار خودشان بیابند تا وزرای جدید انتخاب شوند اگر مخالفی نباشد همینطور بایشان عرض شود که ترتیب اعلام انتخابات را وزرای سابق بدهند تا وزرای دیگر معین شوند در این خصوص مخالفی نیست (از طرف عموم نمایندگان) اظهارات آقای رئیس تصدیق و تصویب شد.

**رئیس** - قانون منع احتکار هنوز حاضر نشده است قانون شرکتها جزء دستور است و چند نفره راپورت کمیسیون بودجه است قانون شرکتها خوانده میشود ماده پنجاهم.

ماده ۵۰ - مدیر یا مدیران شرکت برای مدت معینی از میان شرکاء مسئول بانتخاب معین می شوند.

**وحید الملک** - بنده موافقم ولی لفظ مدیر گویا حل نشده است.

**بجهت** - این مطلب مکرر مذاکره شد و یک جزوی ماند که باید حل بشود يك مدیر شرکت است و یکی هم مدیر اداره که معین میشود برای شعبات شرکت در ولایات عقیده بنده این است که اگر برای شعبات ولایات باشد که قید بشود مدیر مسئول باشد آن وقت ممکن است بیست سی شعبه داشته باشد شرکت در صورتیکه شرکاء مسئول عده شان بیش از ده نفر نباشد در این صورت بصورت گرفتار میشوند ببقیده بنده باید مدیر شرکت که در مرکز است از شرکاء مسئول باشد حتماً لیکن در شعبات اگر از شرکاء غیر مسئول هم باشند هیچ ندارد و همین قدر که از شرکاء باشند کافی است بجهت اینکه با يك سرمایه جزئی هم ممکن است شرکت حاصل شود پس ببقیده بنده باید در مدیر مرکز قید بکنیم که حتماً از شرکاء مسئول باشند لیکن در مدیرهای شعبات از شرکاء غیر مسئول میتوانند تعیین شوند.

**افتخار الواعظین مخبر کمیسیون** - خیر این طوری که اظهار میشود مراد از مدیر شعبات ولایات باشد این طور نیست مراد از این مدیر مدیری است که مسئول امور شرکت و مسئول صلاح و فساد کلیه منافع شرکت است نه مراد رؤسای شعبات ولایات باشد.

**حاج عز المالك** - بنده مخالفت سابق خودم را باز تکرار میکنم و هیچ دلیلی نمی بینم در اینکه اینجا قانون میگذاریم برای اینکه مدیر از شرکاء مسئول باشد خیلی مسئله مهمی که آقای مخبر در

جلسات سابقه اظهار میکردند نظر باین بود که مدیر مسئول وجهی در شرکت دارد پیش از سایر شرکاء باین جهت بیشتر دلسوزی خواهد کرد پس بهر این است که از آن کسانی که وجه بیشتر در شرکت دارند از همانها مدیر باشند و بنده این دلیل را صحیح نمیدانم بجهت اینکه اولاً مدیر شرکت معلوم نیست که مداخله در امر شرکت میکند بقدر سهم و سرمایه خودش که همیشه دلش بسوزد از برای آن وجهی که در شرکت دارد مدیر باید کسی باشد که بموجب آن نظامنامه که نوشته شده میتواند عمل کند و از آن حدود تخطی نکند و این هیچ منافاتی ندارد در اینکه او سرمایه زیاد داشته باشد یا کم بنده تصدیق میکنم که باید شرکاء سئول انتخاب بکنند و آنها حق خواهند داشت از شرکاء مسئول انتخاب بکنند یا از خارج بآقتابنده ما نباید دست آنها را ببندهیم که اگر يك شخص لایق اداره کردن شرکت باشد خود شرکاء مسئول نباشد آنها نتوانند او را انتخاب کنند و از این استفاده کنند.

**افتخار الواعظین** - بنده گمان کردم بعد از هریض امروز بنده رفع اشکالات آقای هز المالك شده باشد بنده عرض کردم مراد از مدیر رؤسای شعبات نیست مراد از مدیران کسی است که مصالح و منافع کلیه شرکت باید با اختیار او باشد کسیکه يك مرتبه میبخواهد دولت هزار تومان برای شرکت فرض بکند یا فرض بدهد جناب عالی بطور تصویب میفرمائید که از شرکاء غیر مسئول باشد البته باید از شرکاء مسئول باشد آن کسیکه اختیار کلیه امور شرکت را میسپارند بدست او و به مشورت او آنها باید در معضلات امر شرکت به نشینند و رأی بدهند بدیهی است که آنها باید از شرکاء مسئول باشند از غیر مسئول نمیشود مثل اینکه همین شرکت قندسازی این سیم نقاله را که میخواهد بکشد البته از برای شرکت يك مدیر و يك مدیرانی باید باشد که صلاح و صواب دیدن او با آنها کارهای شرکت اداره شود اما خود مدیر که موقتاً نخواهد رفت در معین ذغال سنگ کار بکنند باید يك نفر مهندس را استخدام میکنند که او می رود سر معین کار بکند مراد از مدیران آن کسی است که در شرکت مسئول باشد و درست توجه بکند بامور شرکتی اما آنها اینکه مامول میکنند یا مدیرهای شعبات مانگفته ایم که آنها حتماً از شرکاء مسئول باشند از شرکاء غیر مسئول هم میتوانند باشند که آنها مواجب بدهند که مشغول کار باشند.

**معین الرعايا** - مراد از مدیران در اینجا همان شخصی است که این تجارتخانه را میگرداند مثل همین رئیس بانک شاهنشاهی که در اینجا است و تمام اختیارات بدست او است این رئیس بانک که در اینجا است حقیقتاً مدیر کل است این هیچ لازم نیست که از شرکاء مسئول یا غیر مسئول باشد شخصی که لیاقت داشته باشد که مدیر يك اداره يك تجارتخانه بدست سبصد هزار تومانی باشد هیچ تفاوت ندارد که از شرکاء مسئول یا غیر مسئول باشد ببقیده بنده هم نباید دست و پای شرکت را بست ممکن است يك شخص خارجی باشد و خیلی بهتر از خود شرکاء میتواند کار بکند این حقیقتاً يك قیدی است که دست و پای شرکت را بندد و يك عیب دیگری هم باین قید بنظر بنده میآید و آن این است که ممکن است در شرکت دهنفر شرکاء

مشول باشند کدر بین آنها یکی دوترا صاحب نفوذ باشند و آنها خودشان را بواسطه همین نفوذ مدیر قرار بدهند و این اسباب این میشود که یک هیئی بان شرکت وارد خواهد آمد چنانچه اگر بخواهیم یک قدری تصور بکنیم در همین اواخر می بینیم که همین قسم شرکتها تشکیل شد و اشخاصی که بین آنها صاحب نفوذ بودند خودشان را مدیر کردند و صدمات کلی بشرکت وارد آوردند باین لحاظ اگر باختیار خودشان و اگرار شود بهتر است .

**حاج وکیل الرعایا** - آقای معین الرعایا یک فرمایشی در آخر نطقشان فرمودند که لازم است مرض بکنم آرزوی ما این است که آینده ما مثل گذشته ما نباشد در گذشته مملکت ما ولو اینکه قانون داشت اما آن شخصی که مجری قانون بود خودش مغرب قانون بود باین جهت نمیتوان گذشته را نسبت بآینده داد و اینجا بعضی از آقایان اظهار کردند که شاید در بین شرکاه مشول کسی نباشد که لیاقت مدیری داشته باشد اگر جماعتی جمع شدند و موسس شدند خواهستند یک تجارتی کنند و آنها چماقتی بودند که بین آنها یک نفر نبود که لایق مدیری باشد بنده عرض میکنم که اینها از اول اشتباه کرده اند که خودشان را داخل چنین کاری کرده اند بنده عرض میکنم یک هیئتی که تقریباً بآنها مؤسسين ميگویند و تقریباً از میان آنها اشخاصی نباشد که تجارتشان و شناختن باشد آن شرکتی که میخواهند تشکیل بدهند و باندازه دقرا محیط نباشند کسبو کمتری برای آنها واقع شود و نداشتند از بین خودشان کسی را که بسمت مدیری منتخب نمایند بنده عرض میکنم یک چنین اقدامی از یک چنین هیئتی فطاست فطاست آنها نباید داخل اینکار بشوند اینها باید اشخاصی باشند که بکسبو کمتری از آنها واقع نشود آن مدیر بدیختی که میخواهد تشکیل یک اداره بکند و سر اداره باشد اگر بطور بی اطلاع باشد او نمیتواند کار بکند بجهت اینکه این میدانند این خوب است باید است باید مدیر اول خودش یک لحاظ و یک سابقه بکار داشته باشد بلی شما عرض کنم که شما هر چه بخواهید قانون بگذارید اما عرض میکنم آن کسیکه مدیر است باید طوری بصیرت داشته باشد که حتی رؤسای شبات و لایات را هم که عال شرکت هستند منتخب می نماید این مدیر باید آنقدر بصیرت داشته باشد که بداند این کافی و لایق است یا کافی مدیر و هیئت مدیره آن کسانی هستند که حاکم هستند عامل اشخاص دیگری هستند که کار میکنند مانند توانیم یک شخص حاکمی را در یک اداره تجارتی از یک جای دیگری استخدام کنیم که او اداره بکند شرکت را این یک چیزی است که در دنیا هیچ مثلش نیست اگر شما می بینید از خارج بعضی مستخدمین جلب میکنند برای ادارات دولتی این را برای اینست که در طرف هم مقام و مسای هستند یک دولتی از یک دولتی استخدام میکنند اما عرض کردم شما حالا مختارید میخواهید بکنید میخواهید نکنید .

رئیس مذاکرات کافی است دوقره پیشنهاد شده است قرائت میشود .

(از طرف کاشف بعبادت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۵۰ بنظر نوشته شود : مدیر یا مدیران شرکت برای مدت معینی از طرف شرکاه مشول انتخاب خواهند شد ( از طرف

**حاج مرالمالك**

ماده ۵۰ - مدیر یا مدیران شرکت برای مدت معینی از طرف شرکاه مشول انتخاب میشوند .  
**کاشف** - این مذاکراتی که میشود مخصوصاً اظهارات آقای حاج وکیل الرعایا قدری اشتباه است هیچ ملازمه ندارد بین اینکه من مؤسس باشم و از امور تجارتی اطلاع نداشته باشم ممکن است مؤسس باشم و از امور تجارتی اطلاع نداشته باشم اگر نخواهیم مقید بکنیم که حتماً از شرکاه مشول باشد شاید یک شخصی که خیلی لیاقت و اطلاعات علمی او بیش از شرکاه مشول باشد و سرمایه نداشته باشد داشته باشد و در یک کار مخصوص صرف کرده باشد که در این شرکت دیگر نتواند آن سرمایه خودش را بکار اندازد نباید طوری باشد که نتواند یک چنین شخصی را مدیر نمایند چون شرکها ممکن است شعبات بسیار داشته باشند هیچ مجبور نیستند که مدیران شبات از شرکاه باشند و این قید اسباب این میشود که کار شرکت پیش نمرود از این جهت بنده این پیشنهاد را کرده ام .

**حاج عزالمالك** - بنده تصور میکنم که آنماده اگر از طرف کمیسیون پیشنهاد شده بود و بگذرد باعث نگذشتن اینماده بشود اگر بگوئیم چند نفر سرمایه دار تشکیل یک شرکتی را بدهند هیچ نمیتوان گفت که مجبور هستند امور اداری را هم آنها ترتیب بدهند اگر یک چند نفری پول دارند و میخواهند شرکت تشکیل بدهند و یک شخصی را از خارج بیاورند مدیر کرده اختیارات شرکت را بدست او بدهند چطور ما آنها را مجبور کنیم که حتماً باید از بین خودشان مدیر انتخاب کنند ولی نباید اختیار را از آنها گرفت که نتوانند دیگری را مدیر نمایند . بعقیده بنده این یک چیز غریبی است و باید باختیار خود آنها و اگذار شود .

**افتخار الواعظین** بر خلاف آنچه پیشنهاد کرده اند بنده عقیده ام این است که اگر این پیشنهادها بگذرد مخالف مصالح این قانون باشد آنکسی را که میفرستند از اینجا برود اصفاهان بیه بغرد او را نمیگوئیم مدیر باشد یا کسی را میفرستیم عراق قالی بغرد یادد کرمان و خراسان طرف ممانه شوند مدیر آنها هستند که هر سه ماه یک مرتبه می نشینند و شور می کنند که آیا یک شعبه از این شرکت را در کرمان دایر بکنیم یا یک شعبه باسلامبول بفرستیم یا نفرستیم آنوقت آنکسیرا که میفرستند باسلامبول مراد از مدیر اونست او میتواند از شرکاه مسؤل یا غیر مسؤل باشد مراد از مدیر شرکت کسی است که مصالح شرکت در دست او باشد و معقلاً او باید از شرکاه مسؤل باشد چطور میشود که یک هیئتی یک کرور سرمایه بتوسط سهام حاضر کرده باشد ولی برای سه چهار نفری که بنشینند و رای بدهند که تجارت قالی برای ما نفع دارد یا ندارد اینقدر شعور ندارند و بین آنها آن قدر اشخاصی پیدا نمیشوند که این کار را بکنند عرض کردم مراد از مدیر معامله کن نیست مراد کسی است که مسؤل است و در مقابل سایر شرکاه مثل وزیر که در مقابل مجلس مسؤل است و لازم نیست که تمام جزئیات امور اداری خودش را بداند ولی می رود

یک مردم عامی را می آورد و مشول اداره کردن می شود .

**رئیس** - رای میکنیم باصلاح آقای کاشف و عزالمالك آقایانی که اصلاح ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند ( بعضی قیام کردند )

**رئیس** - قابل توجه نشد رای میکنیم بنده پنجاهم آقایانیکه ماده پنجاهم را تصویب میکنند قیام نمایند ( بعضی قیام کردند ) .

**رئیس** - تصویب نشد یعنی رده شد ( ماده ۶۱ )  
ماده ۶۱ - اگر مدیری در امریکه راجع به شرکت است ذینفع باشد باید به هیئت مدیران ذینفع بودن خود را اطلاع دهد و خود او هم در آن امر بخصوص حق رأی دادن نخواهد داشت .

**آقای میرزا احمد** - بنده در آن جلسه عرض کردم این ماده دویس دارد در جواب فرمودند مثل ماده ۴۸ اصلاحات میشود اصلاح نشده است باز مکرراً عرض خود را میکنم فرض میکنم که شرکت بر حسب مورد دارای یک مدیر شد بطوریکه در مواد سابقه هم می نوشتم مدیر یا مدیران در صورتیکه یک مدیر شد و ذینفع شد بیک اطلاع بدهد مدیر دیگری نخواهد داشت فرض کنیم دوترا هستند یک نفر ذینفع شد باید به مدیر دیگر اطلاع بدهد هیئت مدیرانی در میان نیست اینست که باید در اینصورت نوشته شود به مدیر دیگر هم اطلاع بدهد و آن قیدی که در ماده ۳۸ شده است ( در صورت تمدد ) آن قید را اینجا هم لازم میدانم همانطوری که آنجا اصلاح شد اینجا هم باید اصلاح شود .

**افتخار الواعظین** - بنده واقعاً با کمال تأسف عرض میکنم که در ماده هرفرد توضیح کمتر داده شود ماده زودتر خواهد گذشت و بعد عرض میکنم اگر یک نفر مدیر باشد نمیتواند اصلا اقدام در آن بکند و اگر فرضاً پنج نفر مدیر است سه نفر مدیر میخواهند شعبه از این تجارتخانه در کرمان دایر نمایند یک نفر از آن مدیرها این آن تجارتخانه را در کرمان دارد آن وقت دایر شدن این شعبه در کرمان بحال او مضر است آن وقت او باید بگوید که من خودم شعبه این کار را در کرمان دارم و در موقع رای دادن هم رای ندهد بجهت اینکه ممکن است آن شخص بواسطه نفع شخصی خودش رای ندهد که در کرمان این شعبه دایر شود و این تصور در وقتی است که مدیران باشند اما در وقتیکه یک مدیر شد اگر این کاری که اقدام میکند برای خودش نفع دارد یا اگر ضرر دارد برای خودش آن وقت می رود با سایر شرکاه شور میکند پس از شور اقدام می کند .

**بهبخت** - اولاً اشکالات آقای آقامیرزا احمد را مخبر جواب ندادند صحبت در اینست که مدیر خودش که ذینفع شد باید با شرکاه در این خصوص مشورت نماید و رای آنها را اتخاذ نماید این صحیح است و در ماده هم نوشته است ( که اگر مدیر ذی نفع باشد الی آخر ) ولی چیزی که هست بنده عرض میکنم که باید یک مراتبی و یک درجاتی برای این ذینفع معین شود که تا چه اندازه ذینفع باشد که بشرکاه اطلاع بدهد و این مسئله یک چیزی است که باید محدود باشد و دوم اینکه اگر ذینفع شد و اطلاع نداد یک مجازاتی برای او هست یا نه مثلاً مینظر که گفته شده در قبال ما میخواهند دایر کنند

در صورتی که این شخص همانجا يك تجارتی داشته باشد و اطلاع ننهد آنوقت چه میشود بنده گمان می کنم کاین شکلی که آقای مخبر دفاع میفرمایند این مسئله حل نشود پس خوب است تقاضا کنند که این ماده بر گردد بکمیسیون تا آنکه در درجات ذی نفع بودن او محدود شود و یک ترتیب صحیحی را اتخاذ فرمایند که تولید اشکال نشود .

**آقای میرزا احمد** - بنده مکرر میکنم عرضی که کرده ام و توضیح میخواهم از آقای مخبر چون فرمایشی که فرمودند بنده نمیدانم راجع بکدام یکی از عرایض بنده بود عرض میکنم که مدیری شرکت دارد و یک شنبه هم فرض می کنیم از برای خودش دایر کرده است و در اینجا ذی نفع واقع شده است حالا اگر خواسته باشد یک شنبه در آنجا دایر بکنند شاید نسبت بدی نفع بودن خودش تصور یک ضرری را بکنند در اینصورت نفرستند و نفرستادن ذی نفع بودن مدیر را میسراند یعنی مدیر اگر یکی است که حقش این است که بشرکاء مسئول اطلاع بدهد و اگر رأی دادند آن شنبه را با آنجا نفرستند والا نفرستند حالا اگر رأی دادند و نفرستاد تکلیف چیست اگر مدیر دو تا شد باز این عبارت هیئت مدیران فطلاست بواسطه اینکه در اینجا نوشته است باید به هیئت مدیران ذی نفع بودن خود را اطلاع بدهد آن وقت اگر هیئت مدیران در آنکار رأی دادند آنکار را بکنند اگر رأی ندادند آن شنبه را نفرستند در اینصورت عرضم این است که هیئت مدیران غلط است باید نوشت بدییران دیگر اطلاع بدهد مگر اینکه از دوفتر بیشتر باشد در آن صحیح است و در این خصوص پیشنهادی کرده ام و استدعا میکنم رأی بگیرند .

**آقای حیدر میرزا** - بنده عرض میکنم ما خصوصاً و ایرانی عموماً در اساس این شرکت آن قدر با علم و با اطلاع نیستیم و این اساس تجربه و اطلاع قوم یرگی است که تجارت بی شمار اساس اینکار را چیده اند وقتی که چنین باشد و ما هم که نمیتوانیم از اساس اینکار درست آگاه باشیم بدون اطلاع و تجربیات پس هر وقت در میان ما این اساس شرکت پیدا شد یعنی مردمانی پیدا شدند که خواستند از روی این شرکت رفتار کنند البته در آن شرکت هم تا یک حدی سابقه و اطلاع بهم میسراند پس وقتی که ما این اندازه بی علم و اطلاع باشیم شاید چیزی میکنیم مخالف با حقیقت و واقع باشد و نباید با اعتقاد بنده در کاری که چندان علم و اطلاعی نداریم مخالفت کنیم و بتدریج و ظاهر عبرت نمیشود اساس تازه چیدید ممکن است اهالی این مملکت بعد از آنکه مشغول شرکت شدند و علم و اطلاع بر حقیقت اشیاء پیدا کردند مفهوم این عبارت را خیلی بهتر از ماها بفهمند .

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - از این فرمایش بنده همچو فهمیدم که نباید حرفی زد و آنچه نوشته اند اجمالاً گمت این عبارت خوب است و این که هر گاه شرکتی هست و چند نفر مدیر دارد و می خواهند یک کاری بکنند و یکی از آن مدیرها شخصاً در این شرکت نفع شخصی دارد مقصود این است نه اینکه آن طوریکه آقای مخبر فرمودند که اگر نفع دارد میکند و اگر نفع ندارد نمیکند میکنند

اگر شرکت خواست کاری بکند و نفعی ببرد آنوقت او میتواند کاری بکند که خودش منتفع بشود نه شرکت باید بیاید بهیئت مدیران اطلاع بدهد و رأی بگیرد بجهت اینکه او ذی نفع است مثلاً چند نفر مدیر هستند میخواهند چیزی بخرند و مناهمی از جایی بخرند آن مناهمی را که میخواهند بخرند مثلاً ملک میخوانند بخرند پس این شخص مالک آن است میگوید بخرند یعنی آن شخص شخصاً نفع می برد نه از برای شرکت این باید بیاید اطلاع بدهد و رأی بدهند پس وقتی که میخواهند رأی بدهند باید یک هیئتی باشد که با آنها اطلاع بدهد که من نفع شخصی دارم دویم آنکه آقای بهجت فرمودند که هر گاه چنین مدیری ذی نفع است و تکلف من ذی نفعم و رأی هم داده البته آن وقت باید مجازاتش کرد.

**مخبر** - مجازاتش بعد می آید.  
**زنجانی** - البته بعد از مجازات نفعی هم که باو عاید شده است باید بشرکت مسترد بدارد و در اینباب هم پیشنهادی کرده ام قرائت شود.  
**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد یک فقره اصلاح از طرف آقای آقا میرزا احمد پیشنهاد شده است باین پیشنهاد آقای زنجانی قرائت میشود ( اول از طرف آقا میرزا احمد بجهت ذیل قرائت گردید )

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ( ۶۱ ) این قسم نوشته شود اگر مدیری در امریکه راجع بشرکت است ذی نفع باشد در صورت تعدد به هیئت مدیران والا بشرکاء مسئول باید اطلاع بدهد خود او هم در آن امر بخصوص حق رأی دادی نخواهد داشت ( دوم از طرف آقای زنجانی )

بنده پیشنهاد میکنم که به ذیل ماده ۶۱ اضافه شود والا نفعی که باو عاید شده باید بشرکت مسترد دارد .

**رئیس** - این دو مطلب علیحده است آقای آقا میرزا احمد توضیح بدهید .  
**آقای میرزا احمد** - بله همان قسمی که آقای آقا شیخ ابراهیم فرمودند ممکن است اگر مدیر متعدد نباشد برای او نفع مخصوصه باشد غیر از نفع شرکت در آن صورت باید به هیئت شرکاء مسئول اطلاع بدهد اگر اجازه دادند عمل میکند و اگر اجازه ندادند حق ندارد .

**رئیس** - این پیشنهاد را کمیسیون قبول دارد.  
**مخبر** - خیر این مگر نه موادی است که در مجلس مذاکره شد و همین فرمایشات شد بعضی پیشنهادها شد رجوع شد به کمیسیون و در کمیسیون مذاکرات شده است بالاخره معلوم شده است که این ماده باید به همین شکل ابقاء شود اولاً تصور میکنند که شرکاء مسئول تمام در طهران حاضر هستند و می خواهند یک شرکتی بکنند مثلاً مدیر اگر بخواهد یا بزمینی بخرد برای شرکت مال بیسز است آن زمین را بخرد برود بشرکاء مسئول اطلاع بدهد در صورتیکه ممکن است یکی از شرکاء در شیراز باشد یکی در خراسان باشد و احتمال دارد ده تا بیست در اروپا باشد مدیر بطور میتواند با این راههای بینه اطلاع بدهد و این که میگویند اگر مدیر دو تا شد بنده عرض کردم مراد از مدیران هیئت مشاوره است و هیئت مشاوره را خودشان باید بنهند

**رئیس** - مخالفی هست ( اظهاری نشد ) .  
**رئیس** - رأی میکنیم بماده ۶۷ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اکثر قیام نمودند )  
**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۷۰ ( بجات ذیل قرائت شد )  
ماده ۷۰ - مدیر یا مدیران شرکت باید بقدر صدی دو از سرمایه شرکت دارای سهام باشند در

چرا کمتر از سه نفر نشود همین کرد برای اینکه اکثریتشان معلوم بشود آخر آنها باید به نشینند مذاکره و مشاوره بکنند و رأی بگیرند باید افلا سه نفر یا سه نفر یا هفت نفر باشند و حتماً باید زیادتر از دو نفر باشد والا دوفتر بطور میشود رأی بدهد باید زیادتر از دوفتر باشد اگر نظر مبارکشان بآن اشخاص است که عامل شرکت هستند و از برای شرکت داد و ستد میکنند عرض میکنم که مراد آن اشخاصی نیستند و این جا مراد از ذی نفع بودن فرمودند که ذی نفع بودن شخصی است بنده هم عرض میکنم شرکت بنده هم ذی نفع بودن شخصی را عرض کرده ام و ۶ نفر شریک میخواهند جمع شوند میخواهند مشورت کنند که یک شنبه از این شرکت را هم در اصفهان برای فلان تجارت مخصوص دایر بکنند یا نه یک نفر از شرکاء مسئول در اصفهان این تجارت مخصوص را دارد میدانند که اگر این شنبه هم برود آنجا دایر شود با او رقابت خواهد کرد و ضرر برای او خواهد شد و آن شنبه را نوشتند این است که میگویند باید بدیگران بگویند که آقایان بنده در این امر ذی نفع هستم و همین این تجارت را در اصفهان دارم باید این اطلاع را بدهد و در وقت رأی دادن هم خودش باید رأی نهد اما آنچه فرمودند اگر ذی نفع بودن خودش را اطلاع نداد آنجا چه باید کرد البته آن تصریحی است و تصریحی را که کرده است در فصول جزا آن طوریکه باید مجازات تمام آن تصدیقات معین شده است البته مجازات خواهد شد .

**رئیس** - رأی میکنیم بماده ۷۰ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند ) .

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۷۷ ( بجات ذیل قرائت شد )  
ماده ۷۷ - فسخ شرکت چهارگانه از قرار ذیل است ۱ - در صورت رضای تمام شرکاء ۲ - در صورت انقضای مدت شرکت ۳ - چنانچه مدتی برای شرکت معین نشده باشد در صورتیکه یک یا چند نفر مایل بشرکت نباشند و اگر معین شده است شرکاء حق فسخ ندارند مگر آنکه علت صحیحی پیشنهاد کنند ولی در هر صورت شریکی که میخواهد از شرکت خارج شود باید مراتب را قبل از وقت بسایر شرکاء اطلاع دهد ۴ - در صورتیکه حصول بقصد و دیگر شرکاء را برای آن تشکیل دادند

ه - در صورت تلف شیئی یا اشیائی که علت تشکیل شرکت شود ۶ - در شرکت خصوصی و شرکت مختلطه در صورت فوت و ورشکستگی و در تحت قیمومیت رفتن یکی از شرکاء ۷ - در شرکت سهامی محدوده در صورت موت یک سرمایه ۸ - در صورت تلف حصه جنسی .

**رئیس** - مخالفی هست .  
**لسان الحکماء** - در این ماده هفتاد و هفت جمله هائی است که شرکت بالطبع منتفع میشود پس بقرینه بنده در اول که نوشتند فصل پنجم فسخ شرکت چهارگانه از قرار ذیل است در فقره دوم مینویسند در صورت انقضای مدت شرکت این فسخ لازم نیاید انفصال باید بشود یک اصلاحی پیشنهاد کرده ام که فسخ و یا منفصل شود اما در فقره سوم که نوشته است چنانچه مدتی برای شرکت معین نشده باشد در صورتیکه یک یا چند نفر مایل بشرکت نباشند و اگر مدتی معین شده است شرکاء حق فسخ ندارند مگر آنکه علت صحیحی پیشنهاد کنند ولی در هر صورت شریکی که میخواهد از شرکت خارج شود باید مراتب را قبل از وقت بسایر شرکاء اطلاع بدهد این بقدری بد نوشته شده است که مبتدا و خبر این معلوم نیست باین جهت بنده پیشنهادی کرده ام خوانده شود .

**رئیس** - در بوقع خودش اصلاح خوانده می شود .

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - بنده هم در چند مقام این عرض را دارم اولاً صحیح میفرمایند فسخ صحیح نیست بنده انفصال را صحیح میدانم بجهت اینکه بعضی جاها فسخ است بعضی جاها انفصال ولی انفصال برای هر دو جا شامل است یکی هم شرکاء حق فسخ ندارند مگر اینکه علت صحیحی پیشنهاد کنند این علت صحیح را کجایش نهاد کنند و چه کسانی تصدیق کنند و آن عبارت هم خوب است که شریک اگر بخواهد خارج شود عبارت صحیحی است بنده نوشته ام پیشنهاد میکنم یکی هم در صورت تلف شیئی یا اشیاء گویا این مقصود نیست گویا برای فوت مقصود شرکت باشد مثلاً شرکت تصویب کرده بود که فلان مال را خریداری نمایند یا فلان جا را بسازند بعد می بینند که آن محل ساخته شده گویا مقصود این است نه اینکه یک شیئی یا اشیائی باشد این است که از برای اصلاح اینجا پیشنهادی کرده ام خوانده شود .

**مخبر** - اینکه شاهزاده لسان الحکماء فرمودند که بعضی جاها فسخ است و بعضی جاها انفصال بله ما میخواهیم بگوئیم که تمام صورتی که در شرکت باید فسخ شود یا میشود چه مقامی دارد باید تمام صورت متصوره را در قانون ذکر کرده اولاً در صورت رضای تمام شرکاء و در صورتیکه تمام شرکاء جمع شوند بخواهند فسخ کنند فسخ شود یا نشود شاید رضای شدند و فسخ نکردند در صورتیکه انقضای مدت شرکت نشده باشد آنجا میتوانند شرکاء جمع شوند تا آنجا شرکت را تشکیل بدهند میتوانند هم بنده نام آنجا را که فرمودند در صورتیکه ۱ نفر یا چند نفر مایل بشرکت نباشند مدتی برای شرکت معین نشده باشد هیچ این عبارت خوبی نیست گمان میکنم که این عبارت خوبی باشد برای مقصود کافی است برای اینکه از دوشق خارج نیست یا برای شرکت مدت معین بوده است یا نبوده است اگر چنانچه مدت معین داشته است باید بدیگران اطلاع بدهد اگر مدت معین نداشته است مثلاً چند نفر آمدند باهم شرکت کردند برای اینکه یک کارخانه بخرند یا در کارخانه کارخانه بخرند اگر مدت معین نداشتند بول هم دادند چند حق فسخ ندارند مگر اینکه علت صحیحی پیشنهاد کنند و علت صحیح را هم باید بمجلس دادند گمان سهام پیشنهاد کنند و آن ها هم تصویب میکنند و دیگر آنکه اشیاء فرمودند مراد تلف اشیاء نیست فوت مقصود است که اشخاصی می آیند که کارخانه بخرند یا در کارخانه یک یا دایر هم کردند یکمرتبه شب در کارخانه یک اختراقی پیدا شد و اینکارخانه سوخت و یا آنکه یک دفعه کشتی های آن ها فرقی شد در دریا در این دو صورت اتفاقی است که شرکت فسخ میشود مراد از این ماده این است که آن چیزهائی که علت تشکیل این شرکت شده است آن ها هم تلف شود یا بعضی از آنها تلف شود

**هشترودی** - عرض بنده این بود که در فقره دوم نوشته شده است در صورت انقضای مدت شرکت این بدیهی است که فسخ نیست یعنی کار خود بخود تمام نشد یعنی مدت تمام شد و میخواهند کارها را بهم بزنند این ماده هیچ ربطی بفسخ ندارد باید گفت منفصل شده است خود بخود پس فقره دومی ابدأ مربوط

**افتخار الواعظین** - در صورت فوت و ورشکستگی و در تحت قیمومیت رفتن یکی از شرکاء صحیح است بجهت اینکه سه نفر آمدند باهم شریک شدند و تشکیل شرکتی دادند یکی از آنها اگر مرد این شرکت بهم میخورند حالا ببینیم که وارث آنها تجویز میکنند این شرکت را بسا خیر اگر تجویز کردند این شرکت باقی است اگر تجویز نکردند منفصل میشود و در تحت قیمومیت هم رفتن از عنوان اولیه خارج میشود یعنی منتقل می شود بصدار و این جا هم اجازه لازم است به بینه وایش اجازه می دهد یا نمی دهد و ورشکستگی هم چنین است اشخاصی که طلب کارند ممکن است مال

فسخ نیست در سبمی که نوشته است ( چنانچه مدتی برای شرکت معین نشده باشد در صورتیکه یک یا چند نفر مایل بشرکت نباشند ) این تعیین این است که بگفت یا چند نفر که هستند میروند فسخ میکنند اگر مدتی معین شده است شرکاء حق فسخ ندارند این خود صحیح نیست بجهت اینکه هر کدام از اینها خواستند خودشان را عقب بکشند میتوانند عقب بکشند حقش هست چون از عقود لازمه است و جاریه آقایان می دانند حالا من میخواهم شرکاء باشم مگر اینکه در موقع عقد شرکت طوری بکنند که گردن گیرس کنند دیگر ممکن نشود کنار بگرد بنده عقیده ام این است که تکلیف نماینده این دوشق را حالا فسخ بنویسند بنویسند از آن جمله شرط پنجم که می نویسد در صورت تلف حصه جنسی آنجا هم فسخ شرکت معینش این است که حتماً فسخ میشود در صورتیکه می توانند فسخ بکنند میتوانند نکنند این راهم باید نوشت که حق دادند بهم بزنند و صورت ظاهر این عبارت این است که باید بروند فسخ بکنند یعنی این شرایط اگر موجود شد غیر اینها اگر شد نباید فسخ کنند اینها را باید اصلاح کرد

او را عوض طلب خودشان بپزند چون طلب کارها طلب خودشان را برده اند و دیگر چیزی کمانده است در این صورت هم قهراً منقلع خواهد شد و سایرین بعد می توانند شرکت بکنند و در صورت فوت و ورشکستگی همین قسم است که عرض کردم در صورت تلف حصه جنسی هم مقصود این است که بکصداری از مال شرکت جنس بود و بکمقدار پول بود صبح بر خواستند دیدند جنسها سوخته است و در وقتی که آن حصه تلف شده است شرکاء جمع میشوند اگر خواستند آن شرکت را دو باره تشکیل میدهند و الا تشکیل نمیدهند چون آن مال الشرا که حصه جنسی از بین رفته است .

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست ( گفتند کافی است )

**رئیس** - چند فقره اصلاح پیشنهاد شده است قرائت میشود .

۱ - از طرف آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی ( بضمون ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۷۷ قانون شرکت جنسی نوشته شود .

ماده ۷۷ انفصال شرکت در اقسام چهار گانه در صورت ذیل است .

در صورت رضای تمام شرکاء در صورت انقضای مدت شرکت هر گاه شرکاء بلا مدت است در صورت تفاضی یک یا چند نفر از شرکاء انفصال شرکت را و هر گاه شرکت با مدت است کسی از شرکاء حق ندارد انفصال آن را بخواهد مگر اینکه علت صحیحی پیشنهاد کرده و در مجلس شرکاء تصدیق شود و در هر حال شریکی که بخواهد خود را از شرکت خارج نماید باید مقصود خود را قبل از وقت سایر شرکاء اطلاع دهد در صورت حصول مقصودی که شرکت را برای آن تشکیل داده اند در صورت فوت مقصودی که علت تشکیل شرکت بوده در شرکت خصوصی و شرکت مختلطه در صورت وفات یا فلاس یا در تحت قیمومت رفتن یکی از شرکاء در شرکت سهامی محدوده در صورت سوخت ثلث سرمایه در صورت تلف حصه جنسی قبل از مباداه آن در ابتداء شرکت .

**آقا شیخ ابراهیم** - انجام مطالب متفرقه مذاکره شده است اولاً لفظ انفصال را عرض کرده ام بجهت اینکه انفصال اهم است از فسخ و انفصال و شامل هر دو میشود یکی هم آنجا که میگوید مگر آنکه علت صحیحی پیشنهاد میکنند قید شده است که آن تقاضا باید در مجلس سهام تصدیق شود والا مطلق تقاضای یک نفر کافی نخواهد بود یکی هم در آخر یک قدری اجمال داشت چون مراد از معاملات این نیست که هر گاه چندین سال باشد که معامله کرده اند و حالا حصه جنسی تلف شده باشد انفصال خواهد شد بلکه مقصود این است که در اول شرکت بعضی ها نقد گذاشته اند بعضی ها جنس و آن جنس قبل از مبادله در اول شرکت تلف شد مقصود این است من باب توضیح قبل از مبادله آن در ابتدای شرکت را قید کرده ام .

**رئیس** - آقای معجز چه میفرماید .  
**افتخار الواعظین** - بفرماید همه را بخوانند

تا به بینم هر کدام که بشود قبول کرد قبول میکنم ۲ پیشنهاد آقای آقا سید حسن مدرس .  
بنده پیشنهاد میکنم - اول ماده ۷۷ چنین نوشته شود شرکت چهار گانه در مواد ذیل منقلع شود ۳ - ایضاً از طرف آقای مدرس .

بنده پیشنهاد میکنم آخر قسم سیم از ماده ۷۷ چنین نوشته شود - و اگر مدتی معین شده است هر یک از شرکاء در آن مدت فسخ خواهند نمود مگر اینکه علت صحیحی پیشنهاد کنند ۴ - از طرف آقای لسان الحکماء شرح ذیل - اصلاح ماده ۷۷ بجای جزء اول این قسم نوشته شود شرکت چهار گانه در صورت مسطور ذیل فسخ با منفسخ میشود بجای جزء سیم این قسم نوشته شود .

در صورتیکه یک یا چند نفر از شرکاء مایل بتقرین شرکت باشند بشرط اینکه برای شرکت مدتی معین نشده باشد و اگر مدتی معین شده است شرکاء حق فسخ ندارند مگر آنکه علت صحیحی پیشنهاد کنند ولی در هر صورت شریکی که میخواهد از شرکت خارج شود باید مراتب را قبل از وقت سایر شرکاء اطلاع دهد .

از طرف حاج شیخ اسدالله بنده پیشنهاد میکنم که بعد از لفظ شرکاء در تمام ماده اضافه شود - شرکاء مسئول .

**افتخار الواعظین** - در این پیشنهادها بنده مر بینم هر کدام دارای چیزی است که باید قبول کنم و شاید یک نفعی هم داشته باشد مثلاً پیشنهاد آقای زنجانی صحیح است فقط نوشته اند حق فسخ نخواهند داشت و آقای مدرس نوشته اند که شرکاء فسخ نمیتوانند بکنند اگر این پیشنهادها بایده منضم باین ماده بشود در کمیسیون اصلاح بشود آن وقت پیشنهاد شود بهتر است .

**رئیس** - تقاضا میکنید که برگردد بکمیسیون بر میگردد بکمیسیون یک ربع ساعت تنفس است بعد از تنفس جلسه بریاست آقای متین السلطنه مجدداً تشکیل شد

**آقا سید حسن مدرس** - چون در جلسه سابقه از جانب مجلس کمیسیونی معین شده که مشرف شدند خدمت والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه بجهت مذاکره آن مشروطه که مرقوم فرموده بودند بمجلس بنده هم خدمت آقایان بدم هم در مجالس در حضور ایشان وهم در کمیسیون با همدیگر در این خصوص مذاکراتی کردند بعد از مذاکرات زیاد که آقایان کمیسیون مستحضرنه نتیجه مطالبی است که در این ورقه نوشته شده و بجهت اینکه هیچ کم وزیادی در مذاکرات نشود عیناً بمقام ریاست داده میشود که قرائت شود (تقدیم مقام ریاست شد و به تفصیل ذیل قرائت گردید) کمیسیونی که از مجلس شورای ملی انتخاب شده بود حضور والا حضرت اقدس شرفیاب شده در باب دستخطی که والا حضرت راجع بتصمیم در ترک مقام نایب سلطنت بمجلس مرقوم فرموده بودند مذاکرات عهده بیان آمد والا حضرت اقدس چنانکه در دستخط خود هم بیان فرموده اند جهت این تصمیم هم خود را کسالت مزاج و ضیق حال و کدورتیکه از باره اختلافات حاصل شده است مشروحاً بیان فرمودند ولی چنانکه خود والا حضرت هم فرموده اند کمیسیون تعقیب از این اختلافات را مناسب نمیداند و از طرف دیگر چنانکه

در جلسات عهده از وکلاء و علماء و سایر خیر - خواهان مملکت بیان شده است این تصمیم هم والا حضرت اقدس بهیچوجه مقرون بصلاح مملکت نیست و در بعضی از جلسات سابق شق دیگری بنظر بعضی از خیر خواهان رسیده بود که والا حضرت اقدس برای اصلاح مزاج و رفع آزر دگی خاطر مبارکشان موقتاً مسافرت فرنگستان تشریف بپزند لهذا کمیسیون چنین صلاح میدانند که اگر این شق اختیار شود و تا یکماه دیگر که برای تکمیل کابینه و انجام یاره مطالب لازم است والا حضرت بفرنگستان مسافرت بفرمایند امید است که در این مدت مختصر مسافرت والا حضرت اقدس بکلی رفع کسالت مزاج مبارک ایشان شده و بسامعی جبهه خیر خواهان منشاء این ملات و ضیق حال مرتفع گردد آنچه بنظر کمیسیون میرسد این است که این شق اخیر یگانه راهی است که ممکن است والا حضرت اقدس را از تصمیم فوق منصرف نماید تارای مجلس چه اقتضا کند .

**نایب رئیس** - چون اذهان نمایندگان محترم مسبوق نیست عجالاً در این باب مذاکرات نمی شود چند فقره راپورت کمیسیون بودجه رسیده است قرائت میشود .  
( شرح ذیل خوانده شد )

چون چند فقره راپورت کمیسیون بودجه هنوز در مجلس شورای ملی مطرح نشده و ممکن است در این دوره وقت مذاکره فرد فرد آن نشود لهذا مواد ذیل مطابق راپورت های سابقه تقدیم مجلس میشود  
ماده اول - ماهیانه مبلغ چهار تومان بوراٹ پلیس مقبول در بوشهر داده میشود .  
ماده دوم - ماهیانه مبلغ سه تومان بنادر مرمحمد علی خان قزاق مقبول داده میشود .  
ماده سیم - ماهیانه مبلغ ده تومان درباره وراث فتح الله خان مجاهد مقبول برقرار میشود .  
ماده چهارم - مبلغ دو تومان درباره وراث میرزا حبیب الله مقبول برقرار میشود .  
ماده پنجم - ماهیانه مبلغ پانزده تومان درباره حاجی علی قلی شتر دار برقرار میشود .

ماده ششم - ماهیانه مبلغ بیست و سه تومان به ترتیب ذیل درباره وراث میرزا اسدالله خان مقبول همزه زاده مرحوم میرزا جهانگیر خان برقرار میشود .  
۱ - میرزا اسماعیل خان پدر مرحوم میرزا اسدالله خان مبلغ ده تومان ۲ - مادر مرحوم میرزا اسدالله خان مبلغ پنج تومان ۳ - عبدالله خان برادر مرحوم میرزا اسدالله خان هشت تومان .

**حاج عز الممالک** ( مخبر کمیسیون ) - این ماده شش در کمیسیون تغییر داده شده و از این لایحه مجزی می شود عجالاً در سایر مواد باید مذاکره شود .

**نایب رئیس** - در مواد مذاکره می شود و بقیام وقعود رای می گیریم بعد با اوراق در کتابچه رای خواهیم گرفت ماده اول خوانده میشود ( مجدداً ماده اولی قرائت شد )

**محمد هاشم میرزا** - بعد از اینکه بنا شد مجلس متدبانه باید به ترتیب سابق یکی یکی در مجلس بیاید تمام اینها را در یک جلسه گذرانند خوب نیست خوب است مثل سابق در آخر هر جلسه یکی دو تایش بمجلس بیاید و از مجلس بگذرد تا این که تحقیقات کامل در آنها بشود .

**نایب رئیس** - سابقاً در این باب مذاکره شده بود و مخصوصاً گفته شده بود که اگر بخواهیم در هر جلسه یکی دو تایش را بگذرانیم مدتی طول میکشد مجلس چنین صلاح دانست که در یک لایحه نوشته بشود .

**آقا سید حسین اردبیلی** - بنده با کلبه این مخالفم .

**نایب رئیس** - راپورت کمیسیون بودجه کلیات ندارد .

**آقا سید حسین اردبیلی** - چون تکلیف امتداد مجلس در آن وقت معلوم نبود و در واقع باین ترتیب گفته شد که این مواد را یکی یکی نشود گذرانید و بکسر ترتیب بطور لایحه در یک ورقه نوشته شود باین ملاحظه بود که اینطور نوشته شد گمان میکنم حالا که مجلس با کثرت ملت امتداد پیدا کرده است اینها را نباید تحت لایحه واحد قرار داد بجهت اینکه شاید بنده در ماده اولی مخالفم و یکی از آقایان شاید در ماده دوم و دیگری در ماده دیگر آوقت نمیتوانیم در کلیه این رای بدهیم بنظر بنده خوبست علیحده علیحده پیشنهاد شود و علیحده در سر فراغت رای گرفته شود .

**حاج عز الممالک** - این اهمیتی ندارد دورای نمایندگان با ورقه و قیام و قعود فرق نمی کنند هر کس بقیام و قعود رای بدهد با ورقه هم رای میدهد اینستکه اینطور ماده بندی شده و راپورت داده شده است فرضاً نظر سابق هم باشد این طریق سهلتر است و آقایان نمایندگان باید متوجه این مطلب باشند که این راپورت های کمیسیون بودجه بالاخره باید بگذرد و هر چه زودتر بگذرد هم اسباب راحتی آن اشخاص خواهد بود و هم وزارت مالیه تکلیف خودش را خواهد دانست و بنده در ماده اول توضیح می دهم که این پلیس در سر خدمت در بوشهر مقبول شده است و البته نمایندگان محترم در باب یک نفر مستخدم دولت که در سر خدمت مقبول شده است قدر شناسی کرده و رای خواهند داد .

**آقا محمد** - عرض میکنم چیزی که لازمست عرض کنم باینطوریکه ماده بندی شده است خوب نیست اینها دفعه بدفعه خوبست رای بگیریم نشود بقیام و قعود رای گرفت چون بعضی در مواد موافقت بعضی مخالف و در آخرش بسئله ورقه رای دادن اسباب حیرت میشود بیکان یکان باید بوقرعه رای گرفت .

**معین الرعايا** - عرض کنم که هیچ تفاوت نمیکند هر ماده که از مجلس نگذشت میماند در آخر هم ماده که بقیام وقعود رای گرفتند و نگذشت آن در رای کلی از کلبه این لایحه ساقط میشود و بباقی رای گرفته میشود و مخصوصاً آقای رئیس فرمودند که این ترتیب را مبدعیم که اینها زودتر از مجلس بگذرد .

**آقا میرزا احمد** - هر ماده که بقیام و قعود رد شد خوبست توضیح بفرمائید که آن ماده هم در وقتی که رای با اوراق گرفتند و رای با اوراق تصویب شد آیا تصویب شده محسوبست یا خیر ( بعضی اظهار کردند خارج از لایحه میشود) التفات بفرمائید اگر یک خبریکه کلی و مشتعل بر مواردی باشد یکی دو ماده در ضمن رای جزئی رد شد و بکلیاتش رای گرفته شود و رای داده شود آن جزئیات هم قبول

شده محسوب میشود یا خیر اگر آن قسم نیست مثل اینستکه تا چند چیز منفرد را با هم رای بگیریم در آنصورت باید همه را با ورقه رای بگیریم .  
**حاج عز الممالک** - اینطور نیست اشتباه شده است اگر بنا باشد بیکماده بقیام و قعود رای گرفته شد و رد شد از آن لایحه خارج میشود و به باقی موارد در کلیات با ورقه رای گرفته میشود هیچ اشکالی ندارد .

**نایب رئیس** - رای گرفته میشود بماده اول .  
**بهجت** - سؤالی دارم .

**نایب رئیس** - در تحت عنوان سؤال نطقی نمیتوان کرد اگر سؤالی می خواهید بکنید بفرمائید  
**بهجت** - در بوشهر در آن قضیه که بنده مسبوقم معاون کشته شد و چند نفر پلیس اگر مقصود از این پلیس که اینجا نوشته شده است معاون است که این مبلغ کم است و اگر پلیس است که در آنجا کشته شده سه چهار نفر پلیس آنجا کشته شده گناه یکی از آنها مقصود است .

**حاج عز الممالک** - سه چهار نفر نیست اولاً در لایحه که وزارت مالیه نوشته بود تصریح کرده بود که بکنفر کشته شده است و برای او این پیشنهاد را کرده بودند اگر آقای بهجت اطلاعاتی دارند خوبست بوزارت مالیه پیشنهاد کنند و از وزارت مالیه بمجلس پیشنهاد شود و عجالاً محققاً بکنفر پلیس کشته شده است و این لایحه راجع باواست

**حاج شیخ علی خراسانی** - تعجب دارم از اینکه فرمایشات آقایان تمام راجع به کلیات است و در ماده اول میفرمایند اما در ماده اول بنده هیچ محظوری نمی بینم از برای اینکه بکسانیکه در سر خدمت مقبول شده اند چیزی داده شود ولی بنده هیچ فرقی نمی بینم که یک پلیس در سر خدمت مقبول شده باشد یا جمعی از قشون که در سر خدمت کشته شده اند و حتی این را عرض میکنم که اگر بنا بشود این رویه را داشته باشیم که اگر کسی در سر خدمت کشته شود بجهت او حقوق بر قرار بکنیم هزارها قشون در سر خدمت کشته شده است و هزارها باید در حق آنها بر قرار شود اگر دولت و ملت استعداد دارد که هر کس در سر خدمت مقبول شود چیزی باو داده شود بنده هم تصویب میکنم که باو چیزی داده شود و الا اگر فلان پلیس یا فلان مجاهد یک واسطه داشته باشد و بآن جهت وزارت مالیه یک چیزی به مجلس پیشنهاد کنند و دیگران محروم شوند یا بچکس نباید داد .

**حاج عز الممالک** - آقای حاج شیخ علی نمیدانم چطور در ضمن یک کلباتی نسبت بتسام مستخدمین دولت فرمودند و مقایسه کردند باین ماده این ماده را جمع بشخصی است که در سر خدمت مقبول شده است چنانچه تا بحال معمول بوده است که کسانی که در سر خدمت کشته شده اند نسبت باین آب و خاک خدمت کرده اند مجلس شورای ملی در حق آنها قدر دانی کرده و خواهد کرد و اما اینکه در باره مجاهدین یا قشونی هم که در سر خدمت مقبول میشوند بنده عقیده دارم و البته سایر آقایان هم عقیده دارند که باید در حق آنها هم قدر دانی بشود و کسانی که در راه آزادی و

خدمت بدولت مشروطه صدمه بآنها میرسد البته دولت و مجلس شورای ملی بقدر خودشان در باره آنها قدر شناسی خواهند کرد .

**نایب رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد آقایانیکه ماده اول را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**نایب رئیس** - تصویب شد ماده دوم ( ماده دوم مجدداً قرائت شد )

**حاج شیخ علی** - باز در این ماده تکرار میکنم عرض خودم را چه امتیازی است بین یک پلیس که فلان قدر باو داده شود یا یک قزاق که سه تومان باو داده شود اگر در سر خدمت کسی مقبول شده و باید چیزی داد باید یک ماده پیشنهاد شود که درجه اول افراد قشونی یا پلیسی یا غیر پلیسی که صدمه دیده اند یا کشته شده اند فلان مقدار بآنها داده میشود و به درجه دوم فلان مبلغ داده خواهد شد و اینستکه بیک نفر که واسطه دارد پانزده تومان و یک نفر مجاهد چهل تومان و فلان شخص که واسطه ندارد سه تومان صحیح نیست اگر بنا شود ما تصویب کنیم و بنده هم تصدیق میکنم میشود چیزی داده شود باید باالسویه بر حسب درجات و شئون بآنها چیز داد نه اینکه بیک نفر پلیس فلان مقدار و بیک صاحب منصب فلان مقدار و باین ترتیب گمان نمیکند که بتوانیم از عهده بر آئیم .

**حاج عز الممالک** - اولاً کلمه مادام العیوة باید بماده دوم اضافه شود تا باین آفرقه اولی بملاحظه وراث بود و این فقره راجع بیک نفر ورثه مادر بیتر اوست و لایحه که از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شده است و سه تومان بوده در ایام مختلفه در کمیسیون مذاکره شده و اگر سه تومان پیشنهاد شده است کمیسیون چهار تومان میکند پس اینکه میفرمایند که چرا یکی را سه تومان و یکی را چهار تومان داده اند اینها را هر کدام وزارت مالیه پیشنهاد کرده است که باید داده شود و این قزاق هم در ورثه فتح طهران درب مجلس شورای ملی با یک نفر دیگر بطوریکه نظمه اطلاع داده است مقبول شده است و مخصوصاً برای اینکه آقایان مسبوق شوند راپورت نظمه را میخوانم مینویسد در خصوص عرض حال ورثه میر محمد علی خان قزاق را که بمجلس شورای ملی تقدیم کرده لازمست تفتیش را بعمل آورده شخص مقبول یک مادر پیری دارد پسرش در روز ورود مجاهدین با پسر حسنگان معاون ژاندارم کشته شده است و در نهایت پریشانی زندگانی میکند اساس البیت و زندگانی بهیچوجه دارا نیست واجب الرعايا هستند .

**نایب رئیس** - رای گرفته میشود بماده دوم با اضافه کلمه مادام العیوة آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**نایب رئیس** - تصویب شد ماده ۳ ( ماده ۳ مجدداً قرائت شد )

**نایب رئیس** - مخالفی نیست در این ماده .  
**حاج شیخ اسدالله** - این ماده را هم مثل ماده قبل خوب است بنویسند مادام العیوة .

**لواء الدوله** - بنده اختطار بظلمانه دارم

مطابق نظامنامه گمان می‌کنم عده برای رای گرفتن کافی نباشد.

**نایب رئیس** - امیدوارم باخطار نظامنامه کفایت بفرماید و تکلیف هیئت رئیسه را بپذیرد و هیئت رئیسه تکلیف خودشانرا میدانند و تاخیر کافی نباشد رای نمیگیرند دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد).

**نایب رئیس** - رای میگیریم بماده سیم با اضافه کلمه مادام العیوه آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند).

**نایب رئیس** - رد شد ماده چهارم (ماده چهارم بمضمون ذیل خوانده شد):

ماده ۴ - مبلغ دو تومان دربارہ وراث میرزا حبیبالله مقتول برقرار میشود.

**نایب رئیس** - مخالفی نیست.

**حاج شیخ اسدالله** - اینجا هم مثل سایر مواد مادام العیوه بنویسند قید ماهانه هم اسباب اشکال وزارت ماله میشود باید سالیانه نوشت.

**حاج عز الممالک** - صحیح است سالیانه باشد. ماده مزبور مجدداً با تغییر ماهیانه سالیانه ۲۴ تومان قرائت بشود.

**ارباب کیخسرو** - سوال بنده راجع بنطق آقای نایب رئیس بود که فرمودند رد شد گمان بنده این است که اگر باورق رای گرفته شود در صورتیکه موافقت نشود ردم نشود خوب است در این باب تکلیف سایر مواد هم معین شود.

**مهرز الممالک** - اگر چه این مطالبی کدر تمام این مواد مذکور میشود خارج از موضوع است ولی این یک مطلبی است که از کمیسیون آمده است بهترین راپورتی است که داده شده حقیقتاً خیلی اسباب خجالت است که یک مسئله دو تومانی چند مرتبه بیاید بمجلس و بلا تکلیف بماند بنده هیچ فرقی مابین این راپورت کمیسیون نیدانم که دارای چند فقره که هر یک متضمن یک خرجی است و بین یک قانونی که متضمن چندین مواد باشد نمی بینم آنجا بقیام و قعود رای گرفته میشود اینجا هم باید ب همان ترتیب رفتار شود یا تصویب میشود یا رد در کلیات با ورقه رای گرفته میشود نه اینکه حتماً با اوراق رای گرفته شود و مطابق تغییریکه از نظامنامه داخلی فرمودند این مطلب اینقدر واضح است که جای هیچ تردید و اشکالی نیست.

**بهجت** - در ضمن شور مواد داخل میشود در شور کلیات تمام این مطالبی که گفته میشود راجع بکلیات است ولی عرض بنده این بود که میخواستم عرض کنم خوب است آقای مخبر در ضمن هر یک از این مواد توضیح بدهند بجهت اینکه شاید علت اینکه بعضی از اینها رد میشود از عدم اطلاع است خوب است از هر کدام از آنها قیدی توضیح بفرماید و همچنین در سایر مواد اگر توضیح داده شود گمان این است که هم کمتر مذاکره شود و رای هم داده شود.

**حاج عز الممالک** - این راپورت ما اولاً بیشتر داده شده بود و توضیح هر یک در ضمن هر یک از آنها داده شده بود این است که بنده توضیحی ندادم این حبیبالله مقتول مأمور دواثر ثلاثه بوده است

و در وقایع که در نائین اتفاق افتاده مقتول شده است باین جهت وزارت ماله پیشنهاد کرده است که این مبلغ بورات آن ها داده شود.

**دکتر سعیدالاطباء** - بنده همان ایرادی که آقای ارباب کیخسرو فرمودند بنده هم همان ایراد را دارم بجهت اینکه این مسئله که آقای معزز الملک فرمودند آن در قوانین است و گمان نمیکنم که در بودجه همچنین چیزی بیاید و بقیام و قعود که رای گرفته میشود معلوم نیست که این هائی که رای نمیدهند امتناع کننده هستند یا رد کننده و اگر در قبول این هائی رای گرفته میشود باید در ردش هم رای بگیرند که معلوم شود رد شده یا بلا تکلیف مانده است.

**نایب رئیس** - بنده می بینم آقایان در ضمن شور مواد داخل در کلیات میشوند و بنده تصور می کنم که بودجه هم خودش یک قانونی است و خارج از آن نیست و مطابق نظامنامه هم در مواد قوانین بقیام و قعود رای گرفته میشود و در کلیات با اوراق در اینجا به همین ترتیب معمول خواهیم داشت در ماده چهارم دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد).

**نایب رئیس** - رای میگیریم آقایانیکه ماده چهارم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**نایب رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - مبلغ پانزده تومان دربارہ حاجی علی قلی شتردار مادام العیوه سالیانه برقرار میشود

**حاج عز الممالک** - در موقعی که شاهرزاده فرمانفرما حکم آذربایجان بودند و آن قضیه ساوجبلاغ بیان آمد در آنجا حمل فورخانه از تبریز بساوجبلاغ لازم شد و این حاجی علی قلی شتردار هفتاد نفر شتر برای حمل فورخانه از تبریز بساوجبلاغ کرایه میدهد و بعد که این کار را میکند اتفاق می افتد که شترهای او را میبرند و بعد متظلم شده بود بدولت مدتی هم بود که این مسئله در کمیسیون مطرح بود و دولت در عوض خسارتی که باو وارد شده در واقع هستی او رفته است و دولت پیشنهاد کرده است که این مبلغ باو داده شود بجهت اینکه او اول کسی است که خدمت بدولت کرده هر چه داشته است در راه مملکت ودوت داده است.

**حاج وکیل الرعایا** - مخالفت بنده بالفظ مادام العیوه است یک شخصی که هفتاد شتر سرمایه داشته است و در این راه از دستش برده و تمام هستی خودش را بیاد بدهد بندهم چهار سال بدر بار دولت همه روزم خاکسار باشد بعد از آن شما را بخدا این سزاوار است که مجلس شورای ملی در موقعی که میخواهد حق شناسی بکند مادام العیوه قید نکند که فردای آن روزی که او مرد اطفالش تمام گرسنه باشند مخالفت بنده راجع باین قیداست و امیدوارم عرض بنده بی اثر نماند.

**حاج عز الممالک** - در ماده هم این کلمه نوشته نشده بود اینجا اضافه کردند و بنده حالا پیشنهاد میکنم که همان طور بدون مادام العیوه و مطلق نوشته شود که بعد هم مطابق قانون متوفیات در باره ورتیه اش برقرار کنند.

**نایب رئیس** - رای میگیریم بماده پنجم

آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**نایب رئیس** - با اکثریت تصویب شد.

**حاج عز الممالک** - ماده ششم از این راپورت حذف میشود چون در کمیسیون بطور دیگر پیشنهاد شده است.

**نایب رئیس** - حالا باید در تمام لایحه رای با اوراق گرفته شود دو نفر از نمایندگان محترم آقای دکتر حبیب میرزا ۷۲ تومان سالیانه و آقای حاج شیخ رئیس ماهانه هشت تومان پیشنهاد کرده اند که برای ورتیه فتح الله خان مجاهد برقرار شود باین معنی که آن مبلغ را تغییر داده اند که رای گرفته شود ولی بنده تصور میکنم که نمیتوانیم در این ماده رای بگیریم اگر خواسته باشید میفرستیم بوزارت ماله و بعد از اینکه از آنجا برگشت شاید بتوانیم رای بگیریم.

**حاج عز الممالک** - با اعتقاد بنده ممکن است

که این ترا مجلس رای بدهد بجهت اینکه وزارت ماله سی تومان پیشنهاد کرده بود کمیسیون ده تومان تصویب کرده است و این مبلغی هم که پیشنهاد شده است کمتر است از پیشنهاد وزارت ماله و کمیسیون و اگر این را مجلس رای بدهد خیلی سزاوار خواهد بود بجهت اینکه این فتح الله خان مجاهد در وقت فتح طهران در پشت همین مجلس مقتول شده بود و اغلب نمایندگان اطلاع دارند و گمان نمیکنم که نمایندگان محترم تصویب ننمایند که دربارہ وراث او چیزی برقرار شود.

**مهرز الممالک** - کلمه مطابق عملیات مجلس شورای ملی حق انشاء قوانین ماله از مجلس شورای ملی سلب شده است بجهت اینکه دیده اند که اسباب زحمت فوق العاده میشود و باین جهت بوده است که در نظامنامه داخلی قید شده است که نمایندگان نمیتوانند یک مبلغی اضافه از آن مبلغی که از طرف دولت پیشنهاد شده است پیشنهاد نمایند بنده هیچ مخالف نیستم یک چیزی در این موضوع برقرار شود کار ندارم ولی کتباً بنده هیچ صلاح ندیدم که پیشنهاد پولی از طرف نمایندگان فتح باب بشود اهم از اینکه کمتر باشد از پیشنهاد وزیر یا بیشتر و خوب است این مسئله همانطور که رد شده است برگردد بوزارت ماله هر قدر که خودش صلاح میداند دوباره پیشنهاد کند و به مجلس بیاید و تصویب خواهد شد ولی در همان جلسه که این رد شده است دومرتبه بمجلس بیاید این خوب نیست

**نایب رئیس** - متوجه میکنم خاطر نمایندگان محترم را که اگر هم رای بگیریم فقط بقابل توجه بودن آن رای میگیریم.

**حاج عز الممالک** - بسیار خوب است عهود داده شود بکمیسیون.

**نایب رئیس** - بر میگرد بکمیسیون رای میگیریم باین لایحه که دارای چهار ماده است آقایانی که قبول میکنند ورقه سفید و آقایانی که رد میکنند ورقه کبود خواهند داد (اوراق رای اخذ و آقای حاج میرزا رضا خان بنده (۲۷) ورقه سفید شماره نمودند).

**نایب رئیس** - با کثرت ۳۷ رأی از ۶۱ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد.  
**آقا شیخعلی شیرازی** - اخطار قانون اساسی درباره اوراق دارم.

**نایب رئیس** - گمان نمیکنم که جای اخطار باشد بفرمائید.

**آقا شیخ علی شیرازی** - عرض شود این اخطار قانون اساسی این است که قانون اساسی می نویسد ( اخطار رد و قبول اعضاء مجلس باید بقسمی باشد که روزنامه نویس و تماشاجی هم بتوانند ادراک کند یعنی باید آن اظهار بعلامات ظاهری باشد از قبیل اوراق نبود و سفید و امتثال آن پس بنا بر این همین طور در صورتی که به رأی قیام و قعود میگیرند اگر عینی باشد رسمیت ندارد همینطور هم اگر خلاف این ترتیب باشد صحت ندارد این هم رأی را از رسمیت میاندازد بقصد بنده

**نایب رئیس** - یعنی معلومت وقتیکه رأی با اوراق میگیرند با اوراق سفید و کبود است و کرا را این مسئله از طرف اداره مباشرت اعلان شده است که نمایندگان محترم آن اوراقی که چاپ و بایشان داده شده همیشه همراه داشته باشند در موقع رأی بدهند حالا بعضی از آقایان بجهت اینکه در موقع رأی آن اوراق را همراه ندارند در کافه سفید علامت آبی را مینویسند و چون بالاخره همان آراء در روزنامه نوشته میشود و معلوم میشود عیبی ندارد در ابورتی از کمیسیون هدلیه رسیده قرائت میشود در ابورتی کمیسیون هدلیه بمضمون ذیل قرائت شد:

کمیسیون هدلیه از چهاردهم جمادی ۱۳۲۶ که از طرف مجلس انتخاب شده تا این تاریخ هیچدم عقب غالباً ایام تعطیل جلسه داشته و از وضع قوانین موقتی هدلیه بذل جهد موفور مرهی نموده و تمامی قوانینی که مبیایست برای عدلیه مطابق پروگرام وزرای سابق موقتاً حاضر شود از اصول تشکیلات و محاکمات حقوقی و جزائی با نهایت اهتمام و دقت در شور در هریک از آنها بعمل آمده و اینک سوادی که پس از جرح و تعدیل و تطبیق کلبه آن با قوانین شرع اسلام با حضور آقای مشیرالدوله و بعد از جل نظریات مستشار هدلیه از کمیسیون گذشته برای استحضار خاطر نمایندگان محترم ذیلا عرض میشود قانون تشکیلات محاکم عدلیه و ترتیبات محاضر شرعیه دارای سببمداده - اصول محاکمات حقوقی از محاکم صلحیه و بدایت و استیناف و تمبر و اجرا دارای هشتصد و دوداده - اصول محاکمات جزائی که شور اول آن تمام شده و شور دوم آن تا ساده یکصد و هفتاد رسیده دارای یازصد و شصت و چهار ماده چنانچه در فوق ملاحظه میفرمائید جز اصول محاکمات جزائی که هنوز تمام نیست و فقط در هوزه صمکنست تمام شود مابقی قوانین موقتی تمام و کامل است بعضی از آن اعضاء و تسلیم وزارت عدلیه شده و بعضی در این دوره اعضاء تسلیم میشود.

**نایب رئیس** - دستور جلسه آتی بجهت قانون شرکتها - راپورت کمیسیون معاسیات راجع با اعتبار سبهد و پنجاه تومان برای طبع قوانین مصوبه راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع به امتداد مدت

امتیاز راه اهواز - راپورت کمیسیون بودجه راجع به حسام همایون.

**ادیب التجار** - تقاضای صکتبی کرده ام و تقاضای بنده اینست که در اینخصوص چند نفر از اعضاء مجلس و علماء اعلام تشریف بکمیسیون ببرند و در قانون منع احتکار نظریات خودشانرا بفرمایند که در مجلس که مطرح میشود دیگر مورد اشکال و مذاکرات زیاد نشود.

**نایب رئیس** - تمام اینها که فرمودید تکلیف رئیس کمیسیونست.

**حاجعز المالك** - راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع براه اهواز بقیه بنده اینقدر عجله ندارد که باین زودی بمجلس بیاید حالاهم معلوم نیست که لازم باشد چون بلشتمقداری بانقضاض آن مانده است صمکنست در مجلس آتی مذاکره شود و اینکه حالا جز در دستور باشد بنده مخالفم.

**نایب رئیس** - چون مخالف پیدا شد و عده هم برای رأی کافی نیست از این جهت میماند برای جلسه بعد.

**از باب کیخسرو** - بنده در جلسه گذشته در باب ابقاء مجلس پیشهادی کردم که مدت امتداد مجلس را سه ماه قرار بدهند و آقایان فرمودند که لازم نیست بجهت اینکه انتخابات زودتر از این موقع بعمل میآید خیلی خوش وقت شدم و از این جهت خواهش میکنم که اظهار شود بهیئت وزراء از طرف هیئت رئیسه که برای جلسه آتی تشریف بیاورند و اقدامات خودشانرا در خصوص انتخابات بگویند و از طرف مجلس هم تأکید شود.

**نایب رئیس** - اطلاع داده میشود. مجلس سه ربع ساعت از شب گذشته ختم شد.

**جلسه ۴۴۴**

**صورت مشروح مجلس روز شنبه ۲۶ ذی قعدة الحرام ۱۳۲۶**

**رئیس** - آقای مؤتمن الملک سه ساعت و ربع کم قبل از غروب بجای خود جلوس نموده و پس از بیست دقیقه مجلس افتتاح شد.  
( صورت مجلس قبل را آقای آقامیرزا رضاخان نائبینی قرائت نمودند )

قائین جلسه قبل بدون اجازه آقایان آقا میرزا مرتضی قلیخان - دکتر اسمعیل خان - حاج آقا ناصر الاسلام - حاج امسام حمه - اعتصام الملک - حاج سید ابراهیم - فرزانه - با اجازه آقای نجم آبادی مریض - آقا سید محمد باقر ادیب - آقامیرزا علی اکبر خان دهخدا - آقایانیکه از وقت مقرر تأخیر نموده اند آقامیرزا بانس دوساعت و نیم - آقای طباطبائی یکساعت و نیم. معتمدالتجار ۱۰ دقیقه - دکتر امیرخان حسنعلی خان ۳۰ دقیقه

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ( اظهاری نشد )

**رئیس** - ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد قانون شرکتها ( ماده ۷۸ عبارت ذیل قرائت شد )

ماده ۷۸ - پس از فسخ شرکت در صورتی شرکاء مایل باشند میتوانند شرکترا تشکیل دهند

و از اینجهت باید موافق شرایطیکه برای تشکیل شرکت مینماید رفتار نمایند.

**آقامحمد** - در جلسه گذشته مکرر اینعیبا مذاکره شده که لفظ فسخ برخلاف موقع مورد خودش واقع شده است و باید انفصال یا انحلال نوشته شود بجهت اینکه فسخ انحلال عقد است و شرکت از عقود نیست و از ایقاعات است و بهمان وجود مال اشتر آه البته هر وقت بخواهند شرکت حاصل میشود و چنانچه آن جاهم اشاره کردم در هر عقدی و هر حالتی هریک از شرکاء بخواهند شرکت را منحل بکنند میتوانند اینک اینجا مقید کرده است اینجا هیچکدام مورد ندارد در آن جلسه گذشته هم از طرف بعضی از آقایان مذاکره این مطلب شده که انفصال یا انحلال نوشته شود یعنی لفظی که مقصود برهم خوردن شرکت است فسخ معنی ندارد.

**حاج شیخ ابراهیم** - حال لفظ فسخ یا انفصال است کاری ندارد ولیکن پس از انحلال شرکت دیگر ماده نمیخواهد هر گاه شرکتی بود و منحل شد آن شرکاء یا بعضی اشخاص دیگر میتوانند تشکیل شرکت بدهند مقصود از این ماده چه چیز است آن شرکت که انفصال شد البته آنها یا بعضی از آنها یا بعضی دیگر میتوانند شرکت دیگر تشکیل بدهند خلی موضع ماده ندارد و اگر میخواهند تشکیل شرکت جدیدی بدهند این ربطی با شرکت ندارد شرکت جدیدی است و اینشاده را بنده زائد میدانم.

**رئیس** - مخبر کمیسیون حاضر نیست سکه جواب بدهد.

**حاج شیخ رئیس** - تقریرات بعضی از آقایان ار لفظ فسخ کفایت کرد ولی شرکت را سکه میفرمایند داخل در عقود نیست و داخل ایقاعات است بنده اینطور تصور نمیکنم.

**لسان الحکماء** - اینطوری که آقای زنجانی فرمایش کردند که لازم نیست این ماده نوشته شود صحیح است زیر این باب شدت بد است قابل تمیز نیست بجهت اینکه اعضاء آن شرکت بعد از فسخ مثل سایر افراد مردم هستند و می توانند تشکیل شرکت بدهند علت ذکر اینشاده نمی دانم چیست مگر اینکه توضیحی برای او بنویسند.

**کاشف** - در مواد گذشته مکرر گفته شده بود که شرکت تشکیل نمیباید مگر با آن شرایطی که مقرر شده حالا این یک چیزی است که از بدیهیات است که در ماده ۷۸ نوشته شده است و اگر میخواهند شرکتی تأسیس بکنند ممکن است و این ماده بکلی زائد است.

**آقامیرزا احمد** - بیشتر اینشاده را لازم می دانم برای اینکه فر دارد که يك شرکتی بدو تشکیل شود یا يك شرکتی منحل شده باشد و پس از انفصال دو مرتبه تشکیل بشود بعد از آنکه يك شرکتی از تشکیل افتاده و منفصل شده شاید در بادی نظر بدهن بیاید که دیگر آن شرکت قابل تشکیل نیست اینجا می گوید که خیر می تواند تشکیل بیاید و معلوم است برای اینکه حال يك شرکتی منفصل شده بوده یا يك شرکت ابتدائی تفاوت پیدا میکنند باین جهت این ماده - را لازم می دانم

**آقا شیخ ابراهیم** - اگر مقصود همین باشد که ظاهر این عبارت مرساند این چیز زائدی